

ایران را دریابید

زنان و مردان ایران‌زمین،

از زمانی که میراث‌خواران انقلاب جنگ سرنوشت‌ساز با دشمن بیگانه را به «تنخواه‌گردان سیاسی» برای از میدان به در کردن هم‌آوردان خود بدل نمودند، همواره دغدغه‌ی رسیدن آسیبی بزرگ بر هستی ملی در دل آرمان‌خواهان می‌جوئید. سرانجام، در پی یک رشته شکست‌های شکبرانگیز، این دغدغه‌ی دردناک جای خود را به حقیقتی تلخ داد و سردمداران جمهوری اسلامی، که پیوسته دنبال کردن جنگ تا پیروزی را در کوس و کرنا می‌گذاشتند، ناگهان در بدترین هنگام‌ها آتش‌بس دلخواه دشمن و یاوران جهان‌خوار آن را پذیرا شدند.

گرچه زمامداران کنونی کشور در گفتارها و نوشتارهای گوناگون کوشیدند تا خفت به‌بارآمده را به نحوی توجیه کنند؛ ولی برای مردم بلاکشیده این پرسش پدید آمد که آیا سازشی نهانی در میان نبوده است؛ و گرنه، چگونه نیروهای سلاحدار ایران، که با قهرمانی‌های چشمگیر توانسته بودند دشمن تجاوزگر را به فراسوی مرزهای قراردادی برانند و حتی بخش‌های ارزنده‌ای از کشور استعمارساخته‌ی عراق را آزاد کنند، در زمانی کوتاه آن چنان درمانده شدند که، در برابر یک رشته تهاجم‌های لشکریان بعث، ناگزیر از بازپس‌نشینی‌های پی‌درپی گردیدند.

در سخن‌پردازی‌های پرترفند دست‌اندرکاران، هر گونه توضیح پیرامون چرایی تصمیم‌گیری نابجای پذیرش

«قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد» و «آتش‌بس بی‌قیدوشرط» به «زمانی دیگر» و «آینده‌ی ناپیدا

موکول گردید. اما باید گوشزد کرد که، اگر طرح یک حمله در جنگ «راز سربسته‌ای» تلقی گردد، هرگز روشن

ساختن چگونگی شکست برای مردم، آن هم در حالی که بی‌شک دشمن از آن به‌خوبی آگاه است، نمی‌تواند عنوان «اسرار نظامی و سیاسی» به خود بگیرد.

راستی در آن است، هنگامی که زمامداران عراق با یآوری امپریالیست‌ها و با همه‌ی نیرو در کار بازسازی و تجهیز

ارتش درهم‌شکسته‌ی خود بودند، برکرسی‌قدرت‌نشستگان در ایران به سرنوشت جنگ بهای بایسته را نمی‌دادند و

تنها سودای تثبیت وضع خویش را داشتند. به دنبال شکست در فاو، هشدار داده شد که افتضاح به‌بارآمده

برخاسته از گسترش انحصارگری می‌باشد و یک دگرگونی ریشه‌دار در سطح بالای گرداندگی کشور و فرماندهی

نیروهای سلاحدار ضروری است و بسیاری از افسران رزم‌آزموده آمادگی خود را برای سهم‌گیری در جنگ یادآور

شدند؛ ولی پیش‌رانده‌شدگان پس‌از پیروزی انقلاب با افزودن به اختناق و فشار به پاره‌ای جمعیت‌ها و شخصیت‌های

سیاسی تنها به جابه‌جایی چند مهره و نهادسازی‌های نمایشی بسنده کردند و باز هم فرصت‌های دیگری برای

تجاوزهای تازه‌ی دشمن دژخو پدید آوردند.

اکنون که عفریت شکست در برابر مردم ایران چهره نموده است، سردمداران جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به

ناخشنودی همگانی، تنها برای نگه‌داشت خود بر سریر فرمانروایی، حتی به در یوزگی بیگانگان رفته‌اند؛ ولی شیوه‌ی

نابکارانه‌ی دولت نژادگرای بعث عراق در از سرگیری تهاجم به نیروهای سلاحدار ایران آن هم با وحشیگری‌هایی

همچون بمباران شیمیایی شهرها و روستاها، از یک‌سو، و کوتاه آمدن شورای امنیت سازمان ملل متحد، این جایگاه

بده‌یستان ابرقدرت‌ها، در تصمیم‌گیری، از سوی دیگر، نشان می‌دهد که زمامداران ناآگاه و ناتوان ایران بار دیگر

به دام آزمندی‌های جهان‌خواران افتاده‌اند و چه‌بسا به سازش‌های نکبت‌باری تن در دهند. از این رو جا دارد گوشزد شود ایرانیان با آن همه ایثار برای پیروزی در جنگ و درهم‌شکستن توطئه‌ی امپریالیست‌ها هر قرار ناسازوار با خواست‌های ملی خود را، که زمامداران بریده‌ازمردم و دولت بی‌پشتوانه‌ی قانونی و مجلس زاییده‌ی انتخابات‌فرمایشی با دیگر کشورها یا سازمان‌های جهانی بگذارند، نخواهند پذیرفت و دیر یا زود آن را به زیاله‌دانی تاریخ می‌افکنند.

آیا ممکن است مردمی که جای‌جای کشور خود، از شهر و روستا، را ویرانه‌ای به‌خون‌تپیده، نزدیک به یک میلیون زن و مرد و خرد و کلان را جان‌باخته و زخمی‌شده و بیش از دومیلیون خانواده را آواره و شیرازه‌ی اقتصاد ملی را از هم‌گسسته می‌بینند و به‌ویژه در پیشاپیش آن‌ها بازماندگان شهیدان و نیز تن‌آسیب‌دیدگان سرافراز جنگ بر تسلیم‌طلبی گردانندگان جمهوری اسلامی صحه گذارند؟

اکنون، بار دیگر، مردم ایران در بوته‌ی آزمایش تاریخ قرار گرفته‌اند و هنگامه‌ی تصمیم بزرگ فرارسیده و خوب پیداست که واپس‌گرایان برکرسی‌قدرت‌نشسته، به‌رغم شکست در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فروپاشاندن زندگی ملی، خود به رغبت از کار کناره نمی‌گیرند، باید به‌پاخاست و به روند یکه‌تازی پایان داد. تنها با برچیده شدن بساط خودکامگی و زنده‌داشت جدول ارزش‌های انقلاب و بازگرداندن حاکمیت ملی و روی کار آوردن دولتی مورداعتماد مردم است که می‌توان ایران را از ورطه‌ی هولناک کنونی رهایی بخشید.

با این همه نباید از یاد برد کشور استعمارساخته‌ی عراق با برخورداری از پشتیبانی امپریالیست‌ها در پی زدن ضربه‌های تازه‌ای بر پیکر ایران می‌باشد و نیروهای اسلحدار کشور، از ارتشی، سپاهی و بسیجی، که در جنگ خانمان‌سوز آن همه افتخار آفرینند، به‌رغم ضعف‌های فرماندهی، همچنان وظیفه‌ی دفاع از میهن خود را بر عهده دارند تا بار دیگر توطئه‌ها را درهم‌شکسته و درفش پیروزی را به اهتزاز درآوردند.

حزب ما، که با برداشتی ملت‌گرایانه از آغاز تجاوز به ایران انقلابی همواره خواستار دنبال کردن جنگ تا از پای درآوردن دشمن در کوتاه‌ترین زمان بوده است، هرگز از پذیرش یک صلح دادگرانه و نیز همزیستی با کشورهای سلطه‌ستیز روی‌گردان نیست؛ ولی باور دارد تن به سازش‌های خفت‌بار دادن تهی‌کردن مردم از خویش‌ترن خویش است.

هم‌میهنان، گسترش روند سلطه‌گری در سراسر جهان و به بن‌بست رسیدن جمهوری اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها هوشیاری و آمادگی پیوسته‌ی شما را ایجاب می‌کند؛ به دور از اغوای مزدوران بیگانه، که راه نفاق می‌پویند، بار دیگر به نوسازی اسطوره‌ی «همبستگی ملی» بپردازید؛ ایران را دریابید؛ و، با تاراندن همه‌ی نیروهای اهریمنی، این سرزمین خدایی را در راستای آزادی و آبادی پیش رانید. چنین باد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران